نسیم جنوب

www nasimjonoub .COM

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۷۳

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

آلودگی‌های نفت و کمبود بیمارستان برای بوشهر، درآمدها و بیمارستان نفت برای دیگران!

آشکارا حق مردم مظلوم استان بوشهر پایمال شده است!



پاریس در بزم خیام‌خوانی بوشهری‌ها

نمایش فیلم «خیام در بوشهر» در پاریس

آفرینش بانوی دریا در بوشهر

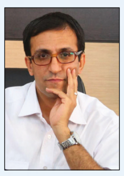


دیپلم افتخار جشنواره فجر برای فیلم‌ساز بوشهری



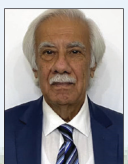
غمگین‌ترین بخش آموزش فردی

حسین زیرراهی



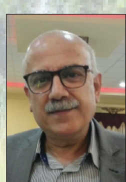
پشت به آفتاب؛ در حسرت انرژی های پاک

سجاد بهزادی



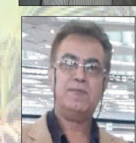
پرویز هم پرید

عبدالمجید زنگویی



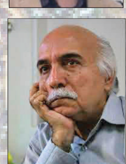
ماجرای آن دوربین هشت میلی متری

هاشم هاشم‌زاده



سوز ساز

حمیدرضا گشمردی



کو بیمه گر و بیمه خر و بیمه فروش

حسین حشمتی



اگر بجز پزشکان، دیگران فرصت رفتن داشتند، آنها هم می‌رفتند

دکترعلیرضا رئیسی



جلوی پایمال شدن حقتان بایستید و طلبکار باشید

محمود حمزه ئیان



معماری بافت تاریخی بوشهر، می‌توانست پایه‌ای برای تکامل معماری ایران مدرن باشد

منصورحاجی پور

آلایندگی‌های زیست محیطی برای ما، درآمدهای هنگفت و بیمارستان برای شما

آشکارا حق مردم مظلوم استان بوشهر پایمال شده است!

غلامحسین کروبی



این روزها خیلی‌ها باید پاسخگوی مردم باشند، اما به نظر می‌رسد ۴ نماینده‌ای که ۴ سال به وکالت از مردم استان بوشهر بر کرسی‌های خانه ملت تکیه زدند و استاندار بوشهر، بیشتر باید به این پرسش‌ها پاسخ دهند:

۱- چرا در برابر خبر «آغاز عملیات ساخت بیمارستان بزرگ ۲۰۰ تختخوابی وزارت نفت در شیراز» سکوت نموده‌اید؟

۲- موضع صریح شما در خصوص انتخاب محل احداث بیمارستان وزارت نفت در شیراز و عدم اجرای آن در جم، کنگان، دیر یا عسلویه چیست؟

۳- پاسخ شما و وزرای نفت و بهداشت و همچنین سازمان تأمین اجتماعی برای تأمین سلامت و درمان جمعیت یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری استان بوشهر و ۳۵۰ هزار نفری ۴ شهرستان جنوبی و ۱۲۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در جنوب استان چیست؟

۴- کدام منطق، عدالت و اصول اخلاقی اجازه می‌دهد که محل استقرار ۲۹ مجتمع پتروشیمی و ۱۳ واحد پالایشگاهی در این استان و آلایندگی‌های زیست محیطی و بیماریهای مرگبار ناشی از آن، برای افراد ساکن و شاغل در اینجا باشد ولی در اوج شگفتی و بی انصافی درآمدهای چند هزار میلیاردی حاصله در شیراز، تهران، اصفهان و سایر نقاط کشور برای ایجاد امکانات رفاهی و احداث بیمارستان هزینه شود و آشکارا حق مردم مظلوم این استان پایمال گردد؟

۵- چرا وقتی که ۷۸ درصد جمعیت استان بوشهر، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی و دارای رتبه اول کشور در این زمینه هست و درآمد سالانه ۱۵ هزار میلیارد تومانی سازمان تأمین اجتماعی از همین استان است، عسلویه بیمارستان ۳۲ تختخوابی دارد، آنگاه وزارت نفت بیمارستان بزرگ ۲۰۰ تختخوابی و تأمین اجتماعی بیمارستان فوق مدرن ۳۰۰ تختخوابی را در شیراز احداث می نمایند؟

...و پرسش‌های بی شمار، قصه های پر غصه، ناگفته‌های بسیار و رنج های فراوان...!

رییس شورای شهر جم در حضور استاندار:

برخی مدیران ادارات در اندازه این مردم نیستند

سجادی رئیس شورای شهر جم گفت: پرداخت نشدن عوارض آلایندگی باعث فلج شدن دهیاری ها و شهرداری های شهرستان های جنوبی شده مردم منتظر تحول با پرداخت عوارض هستند.

فرودگاه جم، راه جم به سیراف، راه جم به فیروزآباد از درخواست های مردمی این شهرستان است که منتظریم در روند بهسازی و نوسازی آنها تسریع گردد.

از استاندار میخواهیم بر استخدام ها نظارت شود افراد بومی در مصاحبه ها قبول نمی کنند که نیاز به نظارت است چطور یک نفر از آزمون استخدامی شرکت ها عبور می کند در مصاحبه قبول نمی شود.

برخی از مدیران این شهرستان در اندازه نام جم و این مردم نیستند به جای کمک به مردم سنگ اندازی می کنند./ نسیم جم

دیپلم افتخار جشنواره فجر برای فیلم‌ساز بوشهری



مستند «آخرین کوسه نهنگ» به کارگردانی «رامتین بالف» فیلم‌ساز و عکاس بوشهری، در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر موفق به کسب دیپلم افتخار بهترین مستند جشنواره شد.

مستند «آخرین کوسه نهنگ» در ارتباط با حوزه محیط زیست دریایی است که در ۷۰ دقیقه و در خلیج‌فارس، جزایر بوشهر و جزیره خارگ، فیلمبرداری شده است.

رامتین بالف در گفت‌وگو با خبرنگار سینما صبا درباره این فیلم گفت: این مستند روایت شاعرانه ماجرای یک کوسه نهنگ است که به دنبال عشق‌اش در دریا می‌گردد و خانواده‌اش را گم کرده است. در حقیقت این مستند ما را با ابعاد مختلف و اتفاقاتی که در دریا می افتد، همراه می‌کند و همچنین زندگی آبزیان و رنج‌هایی که دریانوردان در دریا با آنَ روبه‌رو می‌شوند مثل حوادث دریایی را نشان می‌دهد. کوسه نهنگ در لابه‌لای حوادثی که وجود دارد تا انتها می‌رود، مخاطب با دیدن این مستند به تماشای آلودگی‌های نفتی و دریایی هم می‌نشیند.

او درباره چالش‌هایی که هنگام ساخت این مستند داشته است، بیان کرد: وضعیت مستندسازی در کشور ما می‌تواند یک فیلم مستند باشد؛ مستندسازان مستقلی وجود دارند که بدون هیچ افقی، تلاش می‌کنند به شکل خودجوش و مستقل درباره کشورشان موضوعاتی را انتخاب کنند و فیلم بسازند اما با شرایط نامناسبی روبه‌رو می‌شوند. اگر ارتباط من با دوستانم وجود نداشت، هیچوقت «آخرین کوسه نهنگ» ساخته نمی‌شد. این شرایط اصلا درست نیست چراکه مستندساز به سختی کار می‌کند و فیلمش تنها در جشنواره به نمایش گذاشته می‌شود. جریان مستند برای جامعه ما جا نیفتاده است و اصلا با سینمای داستانی نمی‌تواند مقایسه باشد.

بالف درباره حضور در جشنواره فیلم فجر خاطرنشان کرد: در دوره سی و یکم جشنواره فیلم فجر برای «رودخانه لیان» سیمرغ بهترین مستند را دریافت کردم و باید بگویم در جشنواره فیلم فجر به این سینما به شکل مهجور توجه می‌شود. این مساله دست یک نفر نیست بلکه به صورت زنجیری به تعدادی از افراد مربوط می‌شود، شاید مدیران تلاش داشته باشند این وضعیت را بهبود بخشند اما به دلایل مختلف موفق نشوند. مستندسازان بسیار خوبی در کشور داریم که شاید بتوانند از سوی مراکز مختلف حمایت شوند و سینمای مستند ایران را به دنیا معرفی کنند.

عوامل «آخرین کوسه نهنگ» عبارتند از کارگردان: رامتین بالف، پژوهشگر: رامتین بالف، رشاد بالف، تصویربردار: رشاد بالف، رامتین بالف، صداگذار: رشاد بالف، تدوینگر: رشاد بالف، نویسنده گفتار متن: رامتین بالف، گوینده گفتار متن: رامتین بالف، آهنگساز: اکبر ابراهیمی، تهیه‌کننده: رامتین بالف، تهیه شده در: مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، کارگاه سینمایی بالف.

هتل بزرگ تاراز عسلویه به بهره برداری رسید

هتل بزرگ تاراز عسلویه در چهارمین روز دهه فجر و با حضور وزیر کشور، استاندار و مدیران استان بوشهر به بهره‌برداری رسید.

به گزارش ایرنا، وزیر کشور در آیین بهره‌برداری از هتل تاراز عسلویه اظهار کرد: در کنار حوزه های صنعتی، تولیدی، آبزی پروری و کشاورزی، استان بوشهر دارای ظرفیت مناسبی در عرصه گردشگری دارد.

احمد وحیدی با اعلام این که دولت در بخش‌های مختلف از سرمایه گذاران حمایت می کند، افزود: سواحل بکر و زیبا و موقعیت منحصر بفرد استان ساحلی بوشهر می تواند برای سرمایه‌گذاران برای ارتقا زیرساخت های گردشگری جذاب باشد.

وی اضافه کرد: هتل تاراز با سرمایه گذاری ۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریالی بخش خصوصی در عسلویه به بهره برداری رسیده که اهمیت زیادی در جذب گردشگر دارد. توسعه زیرساخت های گردشگری مورد تاکید مدیران استان بوشهر قرار دارد و امیدوارم به اهداف مورد نظر برسیم.

آغاز عملیات احداث ۲۵۰۰ نیروگاه برق خورشیدی در بوشهر

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر گفت: همزمان با ایام الله دهه مبارک فجر عملیات اجرایی احداث ۲ هزار و ۵۰۰ نیروگاه برق خورشیدی پنج کیلوواتی حمایتی در این استان آغاز شد. عملیات اجرایی این نیروگاه‌ها در قالب طرح جهاد روشنایی با مشارکت کمیته امداد امام خمینی (ره)، بسیج سازندگی، اداره کل بهزیستی و دفتر روستایی و شوراهای استانداری بوشهر آغاز شده است.

رکورد تولید گاز کشور شکسته شد

پشت به آفتاب؛ در حسرت انرژی های پاک

سجاد بهزادی



وزیر نفت به تازگی با اشاره به افزایش ۳۰ میلیون مترمکعبی تولید گاز در کشور گفته است "امروز ۸۵۵ میلیون مترمکعب گاز به شبکه سراسری کشور تزریق شده که این رقم بی‌سابقه بوده است".

ثبت این رکورد نشان می دهد، کشور بی اعتناء به تولید انرژی خورشیدی و در کل انرژی‌های تجدید پذیر، همچنان تخت گاز وابستگی شدیدی به انرژی های فسیلی دارد و حالا خبر رسیده است که در این زمینه یک رکورد بدست آمده است. "سرما سخت سوزان است" و می بایست از یک بعد به خاطر ثبت این رکورد خرسند بود و آن این‌که؛ تلاش مجموعه نیروهای انسانی در پالایشگاه‌های گاز کشور علیرغم تحریم‌های شدید، هر سال در راستای نیازمندی های کشور به افزایش تولید گاز منجر می شود واجازه نمی‌دهند کشور وارد یک بحرانی تازه‌تر حداقل در کوتاه مدت باشد.

اما هم زمان، حسرت های مهم تری نیز بر دل ما خواهد ماند و همه ما می‌دانیم این روش سیاست‌گذاری در حوزه انرژی در بلند مدت چه آسیب‌هایی به مملکت خواهد زد.

یکم: تشدید کاهش ذخائر فسیلی برای نسل های آینده

گفته می شود افزایش مصرف حامل های انرژی کار را به جایی رسانده که طبق پیش‌بینی کارشناسان به دلیل کاهش فشار از سال ۱۴۰۴ هر سال معادل یک فاز میدان پارس‌جنوبی را از دست خواهیم داد. وقتی تولید گاز در میادین پارس جنوبی افت کند، یعنی این‌که سهم آیندگان نیز امروز برداشت کرده‌ایم و حتی به خود زحمت نداده ایم از درآمد حاصل از این ذخائر برای نسل‌های بعد، سرمایه‌گذاری مهمی هم داشته باشیم. ما با این نگاه که اگر ذخایر نفت و گاز خود را مصرف نکنیم، دیگر تا چند سال آینده مانند مصرف ذغال سنگ ارزش خود را از دست می دهد، با طمع و بی تدبیری همه آن‌چه می توانیم برداشت و مصرف می کنیم.

دوم: عدم سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی کشور

منطقی بود حالا که با بی تدبیری، سهم آیندگان نیز امروز مصرف می‌کنیم، سرمایه گذاری‌های مهمی نیز در حوزه انرژی شاهد بودیم. مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران از نیاز به سرمایه‌گذاری حدود ۲۷۵ میلیارد دلار برای تولید نفت خام و گاز از سال ۱۴۰۳ تا افق سال ۱۴۲۰ سخن به میان آورده است. این حجم از سرمایه‌گذاری وجذب سرمایه در وضعیت کنونی و تحریم کشور کار راحتی نیست. برای این حجم از سرمایه‌گذاری می بایست نه تنها برجام حفظ می‌شد بلکه با سیاست ورزی واقعیت اندیشانه، همه دولت ها وساختار نظام با افتخار برجام را تقویت می کردند و نگاهی بلند مدت به منافع آن می‌داشتند.

سوم: عدم ارتباط با شرکت های عظیم انرژی و مشکل منابع

معاون اول دولت روحانی اخیرا گفته بود"آقایان کسی دلش برای رابطه با آمریکا لک نزده است! ما می گوییم مسائل مان را طوری با دنیا حل کنیم که چین و روسیه و اروپا با ما کار بکنند. ما به چند صد میلیارد دلار منابع نیاز داریم، این منابع باید از دنیا تامین شود.در سال ۹۵ که برجام داشتیم ۸۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه و قرارداد بین‌المللی امضا شد." امروز تقریبا می توان گفت هیچ شرکت مهمی حاضر نیست سرمایه خود را برای توسعه میادین نفت وگاز به ایران بیاورد. در این زمینه، کشور تنها یک دوره کوتاه طلایی در ابتدای دهه ۸۰، با حضور غول های انرژی جهان مانند توتال در پارس جنوبی تجربه کرد ودیگر تکرار نشد.

چهارم: فشار بر مردم برای کاهش مصرف

وزیر نفت اعتقاد دارد "با همت مردم در ایام سرد امسال، حدود ۱۱ درصد کاهش مصرف و در مجموع ۱۰ ماه، حدود ۵ درصد معادل حدود ۱۵ میلیون مترمکعب در روز کاهش مصرف داشته‌ایم." این در حالی است که مشکل اصلی زنجیره مصرف جای دیگری است. نمی توان به جزء طبقه ای از ثروتمندان، عموم مردم را که در سوز سرما تنها امکان موجود برای ادامه زندگی‌شان انرژی گاز است را برای کاهش مصرف زیر فشار گذاشت. کسری برق و گاز کشور در جای دیگری است؛ زیرا که سهم خانوارها در مصرف برق و



گاز کشور به ترتیب حدود ۲۷ درصد و ۲۵ درصد بیش‌تر نیست.

درست است که در مجموع، خانوارهای ایرانی که یک چهارم گاز و برق کشور را مصرف می کنند، در استاندارد جهانی بعنوان یک مشترک پرمصرف محسوب می شوند اما چاره چیست؟ بخشی از آن به خاطر فقر و نبود امکانات مادی برای استفاده از سایر انرژی هاست. با تورم سرسام‌آور کنونی، خرید لوازم خانگی باکیفیت برای عموم جامعه ناممکن شده است و امکانات انرژی‌های خورشیدی هم در دسترس نیست و کلا سرمایه گذاری خاصی در این زمینه انجام نشده است.

پنجم: پشت به آفتاب در حسرت انرژی های پاک

آلمان وترکیه جمعیتی مشابه به ایران دارند. هر دو کشورهایی با دمایی به مراتب سردتر از ایران؛ اما مصرف انرژی فسیلی در آن کشورها بسیار پایین تر. دلیل آن چیست؟

گفته می‌شود "تولید انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی، بادی و غیره) آلمان ۱۲۳ برابر ایران است. همچنین تولید برق آبی در آلمان دو برابر ایران و تولید برق هسته‌ای پنج برابر ایران و مصرف ذغال‌سنگ آلمان نیز ۲۹ برابر ایران است." پس کشور آلمان ازظرفیت‌های انرژی‌های تجدید پذیر به خوبی استفاده می کند و ما در حالی که از نظر سرزمینی و آفتاب تابان، شرایط مناسب تری نسبت به آلمان داریم، سرمایه‌گذاری چندانی در این حوزه صورت نگرفته است.

در واقع علت اصلی مصرف بالاتر گاز ایران از آلمان در این نکته است که اگر چه ظرفیت تنوع در انرژی تجدید پذیر ایران بسیار بیش‌تر از آلمان است؛ اما ۶۸ درصد کل مصرف انرژی کشور به گاز وابسته است. نمونه دیگر؛ ترکیه همسایه ایران با جمعیتی مشابه است. ایران پنج برابر ترکیه مصرف گاز دارد، اما از طرفی ترکیه ۳۵ برابر ایران تولید انرژی خورشیدی و بادی، ۹ برابر ایران تولید برق آبی و ۲۲ برابر ایران مصرف زغال‌سنگ دارد. نتیجه این‌که، آلمان و ترکیه با اقتصادی چند برابر ایران و با جمعیتی مشابه، مصرف انرژی یکسانی با ایران دارند.

نتیجه: این که ایران سومین تولیدکننده بزرگ گاز جهان است و با این همه باز هم با کسری گاز مواجه است، به طنز تلخی می ماند که در کم‌تر کشوری می توان شاهد آن بود. علت اصلی آن نیز می توان در عدم سرمایه‌گذاری و توسعه دیگر انواع انرژی‌های دیگر دانست.تحریم‌ها از یک سو و مدیریت ناکارآمد از سویی دیگر، آن قدر برای کشور گران تمام شده است که حتی با داشتن ثروت عظیم گاز، زمستان که از راه می رسد در اضطراب کمبود آن هستیم. گفته می شود ایران سالانه ۲۴۰ میلیارد متر مکعب مصرف گاز دارد که تقریبا معادل ۶۰ درصد مصرف گاز ۲۷ عضو اتحادیه اروپا و تقریبا یک چهارم قاره اروپا است. چرا ما باید به قدر ۶۰ درصد ۲۷ عضو اتحادیه اروپا گاز مصرف کنیم؟

این میزان مصرف گاز ایران تنها متوجه شهروندان نیست؛ بلکه آمارهای آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که سالانه ۲۵ میلیارد متر مکعب از گاز تولیدی ایران در مرحله تولید، انتقال و توزیع تلف می‌شود. از طرفی یک سوم گاز مصرفی ایران در نیروگاه‌ها استفاده می‌شود و به خاطر راندمان پایین نیروگاه‌ها، بخش قابل توجهی از گاز تحویلی در پروسه تبدیل به برق تلف می‌شود.

این شیوه حکمرانی و سیاست‌گذاری در مصرف مهم ترین منبع انرژی کشور تا کی باید ادامه داشته باشد و چرا استفاده از خورشید تابان بعنوان منبعی مهم‌تر و پاک‌تر همچنان در سایه بی تدبیری مغفول مانده است؟ اساسا وضعیت منابع طبیعی کشور چقدر مورد دغدغه جدی مسئولان است ؟

رهبران جهان در حالی که برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای در حوزه‌های انرژی طی سال‌های گذشته داشته اند؛ اما همچنان رخدادهای شدید آب و هوایی (Extreme Weather Events) به عنوان مخاطرات جدی دو سال آینده و "کمبودهای منابع طبیعی" به عنوان دیگر مخاطره جدی ۱۰ سال آینده بشریت، در پنجاه و چهارمین اجلاس داوُس سوئیس مورد توجه خود قرار داده اند. ما در کجای این داستان قرار داریم و تا کی باید در عطش چند دلارسرمایه‌گذاری و رقابت های کشورهای همسایه باشیم؟ کافی است تحولات کشورهای عربی در حوزه‌های انرژی، توسعه انرژی خورشیدی و بادی و تغییرات آب و هوایی را طی چند سال گذشته ببینیم.

دکتر سریع‌القلم طی گزارشی که از اجلاس داووس به رسانه ها داده است، در این زمینه می‌نویسد "با توجه به گرم شدن درجه هوا در منطقهٔ عربی خلیج فارس طی دو دههٔ آینده، این دولت‌ها با ایجاد رقابت میان شرکت‌ها به ارائه روش‌های مقابله با گرما از طریق هوش مصنوعی مبادرت ورزیده‌اند. اگر هوش مصنوعی در یک کشور رایج نشود، عملاً حکمرانی سنتی بوده و از کوران تحولات بین المللی عقب می‌ماند."

به نظر می رسد برای دریافت عمق تحولات جهانی در حوزه های انرژی و این‌که چرا نزدیک به ۸۰ درصد مباحث میزگردها و کارگاه‌های داووس ۲۰۲۴، حول محور IT و هوش مصنوعی است، ابتدا باید سایه جنگ وتحریم از کشور برای همیشه جدا شود. آن گاه می توان مسیری نو درانداخت و رو به آفتاب ایستاد و از سرچشمه اصلی سیراب شد. اگر غیر از این باشد ما در حسرت پیشرفت سایر ملل خواهیم ماند و آن چنان که در مرثیه احمد شاملو آمده است" ... همچنان دوره می کنیم شب را و روز را هنوز را...".

زندگی آگاهانه

غمگین‌ترین بخش آموزش فردی

حسین زیرراهی – مدرس توسعه فردی



غمگین‌ترین بخش آموزش رشد و توسعه فردی این است که آنهایی که بیشترین نیاز به آموزش را دارند کمترین میل به یادگیری و رشد را نشان می‌دهند. دقیقا برعکس در جبهه مقابل آنها که رشد بالایی داشته و زندگی موفق و شادی دارند بیشترین نیاز به آموزش را حس می کنند. سقراط این موضوع را جهل فرهیخته نامیده است. او می گوید من از بقیه داناترم چون به نادانی خود پی برده‌ام ولی دیگران همین‌قدر هم نمی‌دانند.

وقتی در اواخر سال ۱۳۹۸ تصمیم گرفتم وارد عرصه آموزش موفقیت و توسعه فردی شوم سه دلیل داشتم: ابتدا بخاطر خودم بود که ده‌ها سوال بی‌پاسخ در زندگی داشتم. دوم بخاطر خانواده، دوستان و نزدیکانم که می‌توانستم آن‌چه یاد گرفته‌ام را با آن‌ها به اشتراک بگذارم، سوم کمک به مردم جامعه و کشورم. به هر حال در این چند سال به اندازه یک کتابخانه کتاب جدید مطالعه کردم، آموزش‌های زیادی خریداری کردم، در دوره‌های مختلفی شرکت کردم و تا جای ممکن که وقتم اجازه می‌داد برای نشر آموزش‌ها تلاش کردم. مانند همین ستون «زندگی آگاهانه» که با مساعدت نسیم جنوب عزیز تا الان بصورت مرتب مقالات کوتاه در آن منتشر می‌شود.

در این مدت بیشترین مراجعه را افراد رشد یافته و موفق به من داشتند. برعکس آن‌هایی که فکر می کردم نیاز به آموزش بیشتری دارند با وجود مشاوره رایگان من مراجعه‌ای نداشتند. همزبانانی با هزار کیلومتر فاصله از کشور افغانستان وبسایت «بهبود من» را در گوگل پیدا کرده و بعد از استفاده از مطالب رایگان آموزشی پیام تشکر ارسال می کنند، ولی برای برخی از افراد دور و برم حتی یکبار هم سوالی پیش نیامده که از من بپرسد. به نظر من این موضوع فقط یک دلیل دارد. افراد رشدیافته آن‌قدر برای یادگیری تجربی سختی کشیده‌اند که قدر آموزش را می‌دانند. ولی آدم‌های عادی یا از آموزش فردی خبر ندارند یا اعتقادی به آن ندارند. متاسفانه بیشتر مردم فکر می کنند آموزش فقط آموزش فنی است برای یافتن کار و پیشرفت شغلی.

درحالیکه آموزش‌های روانشناسی فردی علاوه بر این‌که بطور غیرمستقیم بر شغل و درآمد فرد تاثیر می گذارد، کیفیت زندگی او را هم بالا می‌برد. آموزش‌هایی مانند هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت زمان، افزایش انگیزه، افزایش اراده و انرژی، اعتماد به نفس، عزت نفس، خودباوری، ساخت عادت، غلبه بر کاملگرایی و اهمالکاری، سرسختی، تاب‌آوری، حل مسأله و تصمیم گیری، تفکر انتقادی، تفکر سیستمی، ارتباط موثر و ده‌ها موضوع دیگر نه فقط جیب شما را پرپول‌تر می کند که لذت شما از زندگی را هم بیشتر می کند. این آموزش‌ها بر زندگی، روابط، کار و درآمد شما اثر مثبت می گذارد.

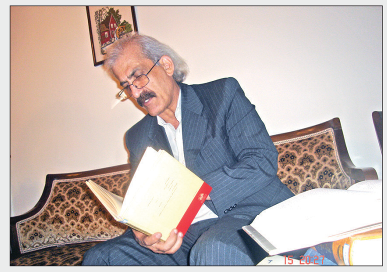
در نتیجه یکی از وظایف مدرسان و مربیان رشد فردی این است که آن‌قدر آموزش‌های رایگان را همه جا پخش کنند تا بالاخره به دست افراد عادی هم برسد، از آن استفاده کنند، تاثیر آن را بر زندگی خود ببینند و نظرشان در مورد آموزش عوض شود. ما چه می‌دانیم، شاید یک ویدیو کوتاه، یک فایل صوتی یا مقاله‌ای کوتاه به دست کسی برسد که همان مشکل را دارد و به این وسیله وارد دنیای آموزش شود و راه‌حلی برای مشکلش پیدا کند.

بنابراین از شما دوست عزیز خواهش می کنم هرگاه مطلبی آموزشی را مفید تشخیص دادی برای کسانی که می‌شناسی هم ارسال کن. شاید کسی فقط به همین تلنگر نیاز داشته باشد تا دنیای جدیدی بر روی او باز شود.

پرویز هم پرید

عبدالمجید زنگویی

پیشکش به جان شیفته زنده نام پرویز هوشیار



پرویز هم پرید
پرواز را برگزید و رفت
تا ژرفنای اندیشه و خیال
پرویز، جاودانه شد
هُشیار بود و خوش نشست به ژرفای جان شهر
خوش خفت در هوای خانه‌ی دل‌های دردمند
پرویز
حجم هوای تیره و سنگین را
به ناگهان
با کوله بارِ فراوان
در پشت سَر نهاد
پرویز
سازنده بود و هنر داشت
آموزگار مهر و یاری و یکرنگی
او همنوای مردم شهر و دیار خویش
با مردمش، می گفت و می نشست
او
آوای آنان بود
او، با هنر همگام و با شور مردمی
همراه بود و همراز
مهرورز، با استان و ایرانش
با جاشوان بندر و با بازیار دشتی و دشتستان
فانوس مهر را
پیوسته بر دوش می کشید
تا روشنی برساند به جان دوست
با رمز و راز و پیام خجسته اش
از دور و دیر و هم اکنونیان
تا گرد کند «سی مرغ» یاری را
بر ستیغ قاف مهر
تا گرم کند کانون یاران را
او شمع رابطه بود و چراغ مهر
از دست روزگار
چه رنج و چه دردها که داشت
هی های می کشید و هوی
شاید که بانگ و نوایش
هوای ریزگردی و مسموم را
بشکافد و به هم ریزد

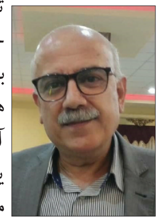
*

او، همنشین و یار منوچهر آتشی
در شادی و غمان و فراز و فرودها بود
او رفت
پرواز را برگزید
تا بیشتر نبیند رنج و عذاب کاروانیان زمان را
«تیمسار مدیر»
هدیه ی او بود به خانه ی یاران
تا نامش همیشه در دل ها بماند
به یادگار و سرفراز
پرویز هوشیار
رفت و رفت و رفت
تا جاودانه شد.

با گرامیداشت یاد پرویز هوشیار؛ با آن قلب هماره مهربان و چشمان سرشار از نجابت

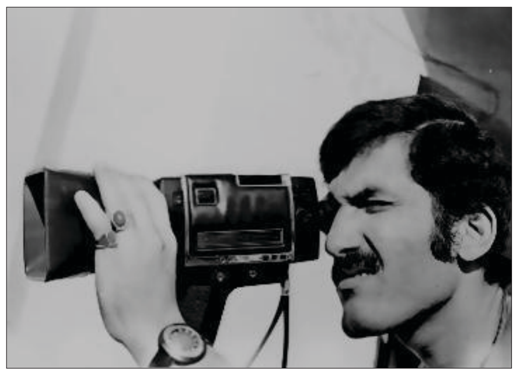
ماجرای آن دوربین هشت میلی متری

هاشم هاشم‌زاده



تابستان ۱۳۵۴ که جهت دیدار خویشان و بستگان عازم بحرین بودم، پرویز مبلغ پنج هزار تومان (معادل ۷۱۴ دلار آمریکا) به من داد تا برایش یک دستگاه دوربین هشت میلی متری مارک کانن (Canon) بیاورم.

در آن سال‌ها، پرویز، که علاقه زیادی به عکاسی داشت، بدوا با یک دستگاه دوربین لوبیتل ۲ (2 Lubitel) روسی و سپس با دوربین یاشیکا (Yashica) ژاپنی عکس می‌گرفت. سوژه‌های وی نیز عمدتا فقر، رنج و تلاش مردم محروم و ستمکش بود.



یادم می‌آید در منزلشان واقع در محله کوتی، پشت زندان، که خانه‌ای دوره ساز بود، در ضلع شمالی منزل، "اتاق تاریک" جهت چاپ عکسهائی که می‌گرفت آماده کرده بود و خود کار ظهور، ثبوت و چاپ عکس‌های سیاه و سفید را انجام می‌داد.

به هنگام خروج از کشور که از فرودگاه شیراز انجام می‌شد، متوجه شدم یکی از مامورین گمرک، دارد با پسرکی ده-دوازده ساله که یک دستگاه رادیو ضبط سونی (Sony) تقریبا نو در دست داشت، صحبت می‌کند و در حالی که آن پسربچه نمی‌دانست چکار بکند، از وی می‌خواست آن رادیو ضبط را که حدودا هزار تومان ارزش داشت به قیمت صد تومان بفروشد.

من که از دیدن صحنه و شنیدن صحبت‌های آن مامور و اکراه رو به رضایت پسربچه ناراحت شده بودم، خود را به آنان رسانده، دست آن پسر را گرفته و به مامور گفتم این ضبط فروشی نیست و صاحب آن قصد فروش ندارد و به اتفاق پسرک-که وی را نمی‌شناختم- به طرف درب خروج به راه افتادیم.

مامور معترض شد و در نهایت با تهدید گفت: "آقا، بالاخره یه روز گذر پوست به دباغ خونه می‌افته. یه پدری ازت در بیارم که زار زار به حال خودت گریه کنی".

من نیز در پاسخ گفتم: "هر کاری تونستی بکن".

در فرودگاه منامه، وی را به دست خانواده اش سپردم و به اتفاق خویشان که به استقبال آمده بودند راهی منزل شدیم.

فردای آن روز به فروشگاه مرکزی کانن، که در نزدیکی "باب البحرین" قرار داشت رفتم تا دوربین درخواستی پرویز را خریداری نمایم.

خوشبختانه فروشنده ایرانی‌الاصل بود و نیازی به زبان عربی دست و پاشکسته من پیدا نشد. موضوع را که در میان گذاشتم، ایشان گفت با این مبلغ (پنج هزار تومان) دوربین فیلمبرداری کانن نمی‌توان خرید و حد اقل به دو برابر مبلغ نیاز است.

وی پیشنهاد کرد یک دستگاه دوربین هشت میلیمتری چینون (Chinon) که به تازگی به عنوان رقیب دوربین کانن وارد بازار شده بود، خریداری نمایم. دور بین را هم آورد و نشان داد و گفت هر دو (کانن و چینون) ساخت ژاپن هستند ولی "چینون" صرفا جهت به دست آوردن سهم بازار (Market Share) بیشتر، با قیمت‌های بسیار پائین و کاملا رقابتی، وارد میدان شده است.

البته پرویز یک عدد "چتر دوربین" نیز خواسته بود که فروشنده سر در نیاورد و پس از چندین روز رفت و آمد و پرس و جو، مشخص شد منظور هود لنز (Lens Hood) می باشد که آن هم تهیه گردید.

پس از چند هفته سفر به پایان رسید و من عازم شیراز شدم. چون می‌دانستم به وسائل و لوازم فیلمبرداری، عوارض و گمرکی تعلق می گیرد، دوربین را که در محفظه‌ای چرمی قرار داشت از کارتن جدا کرده بر دوش انداختم و کارتن و بروشور و سایر ملحقات را در چمدان گذاشتم.

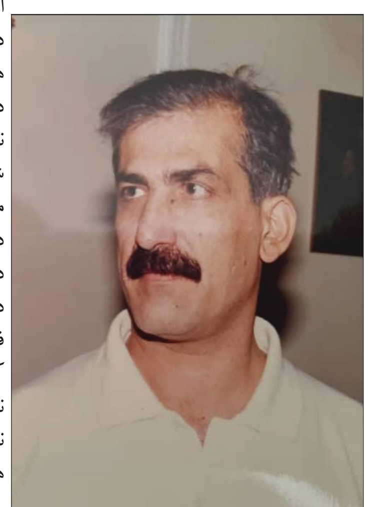
به محض ورود به فرودگاه شیراز، همان مامور موصوف، انگار چشم به راه من بود تا انتقام جوئی نماید، با خنده‌ای مذبوحانه گفت اثاثیه ام را بر سکوئی که نشان می‌داد، بگذارم.

بلافاصله نزد من آمد و به دوربین اشاره‌ای کرد و فاتحانه گفت: "این دوربین در حدود ده هزار تومان عوارض و گمرکی دارد" و ادامه داد: "تا شما بدانید و منبعد در کار دیگران دخالت نکنید."

من بلافاصله فریاد کشیدم: "رئیس اینجا کیست؟ مگه مملکت بی صاحابه؟"

آقای مرتب و باشخصیتی که آن ورتر پشت میزی نشسته بود از جا بلند شد و اشاره کرد که پیش وی بروم.

به محض این‌که به میز ایشان رسیدم گفتم آقا من دانشجو هستم. جهت دیدار بستگان به بحرین رفته بودم و با پس‌انداز مختصری که داشتم یک دوربین فیلمبرداری خریده‌ام. همکار شما می گوید باید دو برابر قیمت دوربین، عوارض و گمرکی بپردازم."



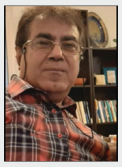
ایشان بلافاصله پرسید دانشجوی کدام دانشکده هستم. بجای پاسخ، کارت دانشجوئی خود را به وی نشان دادم. بلافاصله از جا بلند شد و در حالیکه با من دست می‌داد گفت: " من هم در دانشکده حقوق دانشگاه تهران درس خوانده‌ام و با شما هم دانشکده‌ای بوده‌ام."

فورا مامور انتقامجو را صدا کرد و به ایشان تکلیف کرد نه چمدان مرا بازرسی نماید و نه کاری به دوربین فیلمبرداری هشت میلیمتری داشته باشد.

چند روز بعد دوربین به پرویز تحویل شد و او را وارد فاز دیگری از زندگی هنری نمود: به تصویر کشیدن سوژه‌های مردمی، ولی این بار با دوربین فیلمبرداری هشت میلیمتری نه با دوربین عکاسی... .

سوز ساز

حمیدرضا گشمردی



کدامین سوز را با تو بگویم
تا بگرید ابر
کدامین ساز را با تو نوازم
تا بلرزد کوه
کدامین نرم گوی نکته دان گوید
حدیث حزن را با من
کجا آن نغمه‌ها کاندر چکاد هر چناری
آشیان بلبلی بوده ست

تو گویی زندگانی،
با تمام هیبتش،
در کولبار ، عابری ولگرد
روزی
روزگاری، رخت بر بسته است
از این دشت
تو گویی
خفت خفاش شبگرد شبه سان ، مرگ
بنشسته است
با هر کوی
کجا، آلاله‌های وحشی بی‌انتهای دشت انسان‌ها
کجا، برگان سبز شسته با شبنم

من این آب زلال دیده‌های خویش را
از چشمه‌های کوهساران
باز می‌جویم
کدامین سوز را با تو بگویم
تا بگرید ابر
کدامین ساز...

خبر خوش برای موسیقی محلی بوشهر



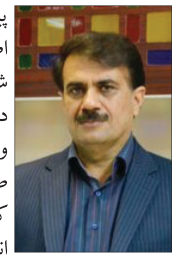
جشنواره اقوام «کوچه» امسال در بوشهر برگزار می‌شود. این بهترین خبر این روزهای موسیقی محلی بوشهر است که باعث شادی هنرمندان موسیقی و علاقمندان شده است.

بعد از چند سال تعطیلی، قرار است امسال از دوم تا هشتم اسفند ماه، جشنواره «کوچه» بار دیگر در بافت تاریخی بوشهر برگزار شود.

فستیوال موسیقی بوشهر یا فستیوال موسیقی کوچه بوشهر از بهترین جشنواره های موسیقی محلی ایران زمین می‌باشد. از دیرباز بومیان جنوبی ایران با موسیقی‌های خود شادی را به زندگی سایر مردم جاری می‌کردند و اما در این بین موسیقی محلی بوشهری ویژگی‌های خاص‌تری دارد، این جشنواره که در گذشته توسط صیادان، ماهیگیران و قایق رانان بوشهری ایجاد شد، با اجراهای زیبا و البته با شرکت هنرمندان گوناگون از سایر نقاط کشور برپا می شود. فستیوال موسیقی بوشهر به طور کاملا خصوصی و خودجوش برگزار می‌شود تا هنرمندان از این استان و سایر استان‌های کشور نظیر خوزستان، هرمزگان، لرستان و گیلان بتوانند در آن هنرنمایی کنند.

آفرینش بانوی دریا در بوشهر

– دکتر نورالدین امیری عضو هیات علمی دانشکده هنر ومعماری دانشگاه خلیج فارس و شهردار پیشین بوشهر



پیشگفتار: از کارکردهای اصلی المان شهری، زیباسازی شهرها، بالابردن میزان دلبستگی ساکنین به فضاها و محیط‌های شهری است. طراحان و هنرمندان بسیاری در کلیه نقاط دنیا با پدیدآوردن انواع المان شهری، زیبایی را به شهر و منطقه خود هدیه کرده‌اند. انتخاب نوع المان و محل نصب یکی از موارد بسیار مهم است. المان شهری مانند نام یک شهر یا منطقه است. این نماد می‌تواند تداعی‌کننده عرف جامعه، ارزش‌ها و آرمان شهر باشد.

تحقیقات و بررسی های انجام شده نشان می‌دهد که مجسمه‌های شهری نه تنها نقش زیباسازی فضاهای شهری را به عهده دارند بلکه اگراین نوع المان‌ها با درنظر گرفتن مولفه‌های فرهنگی،



طرح مجسمه بانوی دریا (منتظر)

اجتماعی و نقش بستر که در مجسمه‌های محیطی با فرم به صورت یک واحد در هم تنیده هستند، خلق شوند، می‌توانند وظایف مهم و خطیری هم چون هویت بخشی به فضاهای شهری، ایجاد تصویر ذهنی، انتقال پیام‌های ارزشمند و مفاهیم معنوی و همچنین انتقال فرهنگ، تاریخ و... را در جامعه به عهده گیرند.

در اینجا برای اولین بار به چگونگی آفرینش تندیس بانوی دریا در بندر بوشهر پرداخته می‌شود



نمونه پارچه‌های وارداتی (طرح های گل دار) ارشیو غلامزاده

که از ایده به ساخت منتج شد.

ایده پردازی

تصویر اول

فاصله بوشهر تا عسلویه که گاه مسیر به تنهایی می‌گذشت با خود گفتگوها داشتم.

مرداد ۱۳۸۹ روزی گرم، جاده‌ای شرجی زده که بندرت خودرویی سکوت جاده را می‌شکست، ایستگاه‌های رادیو را یکی یکی وارسی می‌کنم سرود «ای ایران» اثر ماندگار استاد روح الله خالقی در حال پخش است. ترکیبی از شیرینی، تلخی-شادی، غم و اشک و غرور وجودم را فرا می‌گیرد. ناگهان رهگذری در کسری از ثانیه نظر مرا به خود جلب نمود ولی گویی در میان صدای بنان، ندایی دیگر آمد، ایران – مرز پر گهر– خاک پاک میهن – سرچشمه هنر همانی است که کنار جاده ایستاده است.

با فاصله برمی‌گردم به او سلام می‌دهم، به دعا آرزوی تندرستی می‌کند، گفتگو بی‌واسطه با کلام و با واسطه به آیینه ماشین شروع می‌شود، جویای احوال فرزندان و همسرش می‌شوم.

ناگهان باران اشک بر گونه‌های خشک و چروکیده‌اش جاری می‌شود.

در میان صدای پر از بغض به انگشت اشاره دریا را نشانه می‌رود، به تفصیل داستان زندگی خود را تعریف می‌کند که رفت که بیاید و نیامد و سال‌هاست چشم به دریا هستم.

به مقصد که می‌رسد آرام پیاده می‌شود، با کلی دعا بدرقه‌ام می‌کند و ذهن مرا با حجمی سنگین از قصه دریا رها می‌کند.

تصویر دوم

دفتر شهردار بوشهر– مهرماه ۱۳۹۸، غرق در روزمرگی‌ها و مشکلات جور واجور فرصتی پیش می‌آید تا به مبلمان شهری بخصوص المان‌ها بیندیشم چرا که پس از تجربه موفقیت‌آمیز خلق تندیس مرد سنگ درار، بدنبال طرحی از یک زن هستم چرا که نادیده گرفتن زنان در المان‌ها و تندیس‌های شهری محسوس است. زن یا زنانی که نماد وفاداری، عشق، ایثار و پایداری باشند. بی‌درنگ صفحه اینستاگرام خود باز و به بحث می‌گذارم، پس از چند روز پیشنهادات گوناگونی دریافت شد.

آغاز ساخت

پس از چند هفته کلنجار رفتن با پیشنهادات و پیش دانسته‌های ذهنی خود، ناگهان زنی که از جنس دریا که سال‌ها پیش در کنار جاده بذری در اندیشه من کاشته بود رویید. لحظه، لحظه‌ای زیبا توام با هیجانی شیرین بود که جانم بیدار نموده بود. موضوع را با صادق سعیدی هنرمند خلاق شهرداری بوشهر در میان گذاشتم. پس از چندی استاد عطا صحرایی، یکی از تندیس‌سازان مطرح کشوری را به من معرفی نمود. پس طرح موضوع با استاد صحرایی و رفت و آمدهای و گفتگوهای طولانی، بالاخره درمورد کلیات آن به جمع‌بندی رسیدیم به این صورت که:

ارتفاع: ۳/۵ متر – متریال: فایبر گلاس – روش اجرا: شامل مدلاژ، قالبگیری –مدت زمان اجرا: ۳ماه.

با این توضیح که در این اثر حس انتظار و اضطراب با هم به تصویر کشیده شود بطوریکه هر دو حس، در دست‌های بانو نمایان باشد.

دست راست در مقابل صورت گرفته شود، علاوه بر این‌که همچون سایبانی در مقابل تابش آفتاب عمل می‌کند در واقع نشانگر انتظار بانو و کاوش او از سوی دریاست و دست چپ که در فشردن گوشه‌ای از لباس خود است، نشانگر اضطراب ناشی از دودلی و تردید در بازگشت زوج خود از دریاست.

انتخاب لباس محلی

پس از تکمیل تقریبی مباحث فوق، بحث دوم که بحث جدی‌تری بود پوشش شامل تن پوش و پای پوش بود. در این بخش نیز پس از بررسی‌های لازم در این خصوص بالاخره با پژوهشگر لباس الهه غریب‌زاده بحث و تبادل نظر به عمل آمد و بالاخره با هماهنگی بین اینجانب و استاد صحرایی و استاد غریب‌زاده کار نوع لباس نیز به پایان رسید. در ادامه به توضیحات الهه غریب‌زاده اشاره می‌گردد:



«چند ماهی از تبلیغات گسترده کتاب (تاریخ لباس بوشهر) نگذشته بود که، با توجه به پاسداشت لباس‌های سنتی اهالی استان بوشهر به عنوان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های فرهنگی منطقه و بازخوانی قصه‌های فولکلور و عامیانه از پیران این دیار ، شهردار بوشهر نورالدین امیری، اقدام به ساخت تندیس زن سنتی بوشهر جهت احیای این مهم نمودند تا یادآور شوند زحمات این قشر جان‌باخته برای کسب رزق و روزی در آب‌های خروشان خلیج‌فارس را.

لذا در نشستی ویژه در دفتر کار شهردار در آذر ماه ۱۳۹۸، به بررسی پژوهشی این مهم پرداختیم. سپس به مدت سه ماه اتود طراحی لباس مجسمه، و با استفاده از مستندات و عکس‌های زنان اصیل بوشهر بر آن شدم که نهایت دقت و ظرافت در این اثر حفظ شود.

تندیس زن منتظر (بانوی دریا)، نمادی از لباس سنتی زنان بوشهری، عواطف و نحوه معیشت اکثر مردمان این خطه می‌باشد. خوشبختانه در این تندیس مدل لباس سنتی بانوان به نحوه‌ای ویژه نمود پیدا کرد؛ پیراهن چین دوره‌ای که ترسیم چین‌های لباس بر روی کمر یادآور نفنوف‌ها و دورچین‌هاست، طرح گل‌دار روی پیراهن که برگرفته از پارچه‌های وارداتی از کشورهای اروپایی به‌ویژه انگلیس بوده که تا به امروز ما همچنان شاهد استفاده این نوع پارچه‌ها جهت دوخت پیراهن‌های این دسته از بانوان هستیم.

تقارن ردیف گونه گل‌های بر روی پیراهن، نشان از دقت منحصر گونه‌ای است که در نگاه اول همان پارچه مذکور را به نظر بیننده می‌آورد.

پوشش سر، «می نار» یا بهتر بگوییم «مقنا» و چین‌هایی که روی گردن در هنگام بستن قرار گرفته و اطراف سر و گردن را می‌پوشاند به‌خوبی نمایان شد و در ادامه با چَلّابه زرین کنار موهای مجعد مواجه می‌شویم. مدل شلواری که برای این مجسمه در نظر گرفته شد ، فستو بود همراه تزیینات نقوش مربوطه و لایه‌های گَلدوزی شده و پوشیدن نشان تعلق و تعهد زن عاشق در دست چپ به‌دقت پیاده شد. جذاب‌ترین بخش مجسمه که همان صورت زن جوانی آراسته است که حالت انتظار در پرتره صورت و نگاه نافذ به سمت دریا برای بازگشت مردش از سفر دریایی، با لبخندی امیدوارانه بر لبان و نحوه گرفتن دامن به‌خوبی در آن ، گویای مکنونات قلبی و عاطفی است. در ارتباط با پاپوش‌های مردمان بوشهر ما با انواع مختلفی روبرو بودیم ولی در جوار نوار ساحلی با توجه به روایت اعتمادالسلطنه و همچنان عکس‌های برجای‌مانده از زنان پابرهنه یا نشسته بدون پاپوش، دمپایی‌های ساده، کفش (جوتیِ)، دمپایی چنگکی و نوعی صندل معروف به «کووش» را در ادوار مختلف شاهد بودیم که ساده‌ترین و پراستفاده‌ترین آن را برای این مجسمه برگزیدیم».

بالاخره پس از طی مراحل فوق و دریافت دیدگاه‌های گوناگون تندیس آماده شد فروردین ۱۳۹۹ در محل فعلی (حد فاصل میدان ریسعلی دلواری و میدان المپیک بر کرانه خلیج پارس) روبروی نصب گردید.



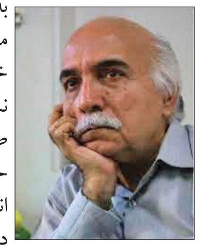
بماند بیادگار
ایده پرداز : نورالدین امیری عضو هیات علمی دانشکده هنر و معماری خلیج فارس.
تندیس ساز : استاد عطا صحرایی.
طراح پوشش: الهه غریب‌زاده.



پژوهشی پیرامون وضعیت بیمه درمانی بازنشستگان

کو بیمه گر و بیمه خر و بیمه فروش

حسین حشمتی



به موجب قانون بیمه در ایران، بیمه عبارت است از قراردادی که به موجب آن «بیمه گر» تعهد می کند که در ازای دریافت وجه یا وجوهی، خسارت وارده که براثر وقوع یا بروز حادثه ای وارد شده باشد جبران نموده یا وجوه معینی رابپردازد، به موجب همین قانون، متعهد را بیمه گر، طرف تعهد را بیمه گذار و وجهی را که بیمه گذار به بیمه گر، می پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می شود موضوع بیمه می نامند.

انواع بیمه

در یک تقسیم بندی کلی بیمه به دو دسته بیمه های اجتماعی و بیمه های بازرگانی تقسیم بندی شده اند که بیمه های اجتماعی عمدتا اجباری و ناشی از قانون بوده و به چهارنوع تعریف شده اند که عبارتند از:

بیمه عمر: بیمه عمر نوعی از بیمه است که براساس آن بیمه گذار طی مدت معینی حق بیمه پرداخت می کند و در عوض بیمه گر متعهد می شود که در صورت فوت بیمه شده در اثر بیماری‌های خاص!؟ (یازنده ماندن)، مبلغ معینی رابه صورت یکجا یا به صورت مستمری به بیمه گذار، یا فرد تعین شده ار سوی وی پرداخت نماید.

بیمه عمر زمانی: بیمه عمر زمانی عموما در کنار بیمه تکمیلی درمان گروهی برای شرکت‌ها و موسسات صادر می شود، به منظور برخورداری بیمه گذاران از پوشش خسارت فوت در زمان اشتغال در شرکت یا موسسه مذکور مورد استفاده قرار می گیرد.

بیمه بازنشستگی تکمیلی: بیمه بازنشستگی تکمیلی یا بیمه بازنشستگی و سنوات، اولین بیمه تکمیلی بازنشستگی است که علاوه بر ارائه پوشش های بیمه، یک سرمایه گذاری مطمئن برای کارمندان و کارفرمایان محسوب می شود!؟

بیمه درمان: موضوع بیمه درمان، تامین و جبران هزینه های درمان اعم از درمان سرپائی یا بستری است، علت هزینه ممکن است بروز بیماری یا حادثه باشد، یکی از پوشش‌های متداول بیمه درمان، بیمه تکمیلی درمان است که هزینه‌های مازاد بر تعرفه ها را بیمه های اجتماعی مانند خدمات درمانی یا تامین اجتماعی پوشش می دهند.

اکنون باتوجه به اختلافاتی که میان مفاد قانون بیمه با آن‌چه که موسسات بیمه‌گری همچون سازمان بیمه سلامت به عنوان بیمه گر پایه و شرکت بیمه آتیه سازان حافظ به عنوان بیمه‌گر تکمیلی وجود دارد مقایسه ای به عمل می آوریم تا دریابیم که آیا حقوق بیمه‌گذاران بخوانید بازنشستگان کشوری رعایت می شود یا خیر؟

متقاقدین مملکت محروسه ایران در زمره مظلوم ترین مخلوقاتی هستند که حضرت حق «جل جلاله» تمشیت امورشان را از خزانه بی پایان خویش به صندوق عامره دولت های پسین و پیشین حواله فرموده است که البته حقوقی در حد «بخور و نمیر» کارسازی می گردد اما چه می‌شود کرد که این عطیه در برابر طوفان هولناکی مثل «تورم» هم وزن پرگاهی است که هنوز ثلثی از ماه نگذشته تمام می شود و علی رغم این که برحسب قانون اساسی دولت در چنین مواقعی مکلفند یا غول تورم را به بند بکشند یا اعانه مستمری بگیران را افزایش دهند که تا کنون نه توانسته اند دیو تورم را مهار نمایند نه حقوق ها را «به اندازه لازم» افزایش دهند و فی الحال برای بازنشستگان راهی نمانده است الا این که پس از ادای فریضه دوگانه صبح دست ها را به جانب آسمان برند و بنالند: ای خدایی که از خزانه غیب/ گبر و ترسا وظیفه خور داری//دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظرداری.

و اما مسئله مهم تر وضعیت درمان اعم از بستری یا سرپایی است که این یکی دیگر، آن قدر نازل و آبکی عرضه می شود که ۹۰ درصد از گروه هدف که تعداد آنان با احتساب افراد خانواده، به بیش از دو میلیون نفر تخمین زده می شود مراتب نارضایتی و اعتراض خود را بارها به صورت کتبی و شفاهی به اطلاع مقامات عالی رتبه صندوق رسانیده اند اما مشکلات نه تنها رفع نگردیده بلکه روز به روز بدتر شده است.

وضعیت اسفناک ارائه خدمات درمانی از آن‌جا ناشی می شود که صندوق های بیمه گر، نه در حدقانونی و نرمال که در حد صفر خدمات می دهند و این در حالی است که به موجب قانون اساسی که در آبان ۱۳۵۸ به تصویب رسید مالکیت عمومی بیمه ها در اختیار دولت قرار گرفت و از آن تاریخ تاکنون سازمان بیمه سلامت به عنوان بیمه پایه با دریافت مبلغی از حقوق ثابت و شرکت بیمه آتیه سازان حافظ نیز با دریافت مبلغ بیشتری از حقوق ثابت و حق اولاد و عائله‌مندی بازنشستگان کشوری وظیفه مثلا پرداخت هزینه بیمه های پایه و تکمیلی را برعهده دارند اما افسوس که در موقع انجام تعهدات قانونی خود چون هر دو دستگاه زیر مجموعه دولت هستند مراحل پرداخت به این ترتیب است که پس از دریافت مدارک پزشکی که باید به امضای و مهر مسئولان حسابداری، اتاق عمل و رئیس بیمارستان رسیده باشد و همچنین انجام مراحل راستی آزمایی که اقلا دوماه زمان خواهد برد، تازه وارد مرحله رسیدگی به مدارک فوق الذکر توسط کارشناسان اسناد پزشکی در شعب شرکت آتیه ساز....می شود که آن هم خیلی که لطف کنند این مرحله را یک ماهه انجام می دهند و دست آخر تنها مبلغ بسیار ناچیزی از مبالغ هنگفتی که بازنشستگان در زمان ترخیص بیمارشان به صندوق بیمارستان مربوطه پرداخته اند پس از چند ماه دریافت می نمایند و این در حالی است که طبق مقررات ۷۰ درصد هزینه درمان بر عهده شرکت بیمه آتیه‌سازان و ۳۰ درصد ساز..... و ۳۰ درصد برعهده بازنشسته می‌باشد اما در عمل کاملا برعکس است یعنی پس از دوندگی‌های بسیار شرکت نامبرده ۳۰ درصد کل هزینه های درمانی را به حساب بازنشسته تحت پوشش واریز می‌کند و بیمه سلامت هم که دیگر عذرش خواسته است یعنی در عین حال که وجه حق بیمه را همه ماهه دریافت می کند اما در موقع پرداخت سهم خود از کل مبلغ مدارک پزشکی که تحویل گرفته است، آن قدر بازنشسته بینوا را می دواند که از شکر خوردن، پشیمان شود. به قول سعدی: از دشمنان برند شکایت به دوستان / چون دوست دشمن است شکایت کجا بریم؟

دکتر علیرضا رئیسی معاون بوشهری بهداشت دولت دوازدهم:

اگر بجز پزشکان، دیگران فرصت رفتن داشتند، آنها هم می‌رفتند

ریشه مهاجرت اشکال در نظام ارزش‌گذاری، شایسته‌سالاری و جبران خدمات فرد است



– تاکنون به‌مهاجرت فکر کرده‌اید؟

– بله، ولی نه به‌این لحاظ که خودم مهاجرت کنم. به‌پدیده مهاجرت فکر کرده‌ام ولی هرگز برنامه‌ای برای مهاجرت نداشته‌ام.

– چرا نمی‌خواهید مهاجرت کنید؟

– به‌باورهای شخصی‌ام برمی‌گردد. فکر می‌کنم هر کسی هرجا قرار گرفته است، باید تلاش کند مکان و زمان را برای آیندگان بهتر کند. تقدیر این بوده ما در جایی قرار بگیریم که از نظر رشته پزشکی، آموزشی در بخشی از مدیریت نظام سلامت این کشور قرار بگیریم. این موضوع را باید از درآمد و معیشت جدا کنیم. من در سال ۱۳۷۰ وارد دانشگاه علوم پزشکی شدم. بعد از آن در وضعیتی قرار گرفتم که متوجه شدم همین جای موجود، به‌خاطر اهدافم بهترین جایی است که باید بمانم.

– چه شد که ما با این حجم از مهاجرت در گروه‌های پزشکی مواجه شدیم؟

– در پزشکی و پیراپزشکی سیستم غربالگری و کنکور سختی برای ورود به این رشته‌ها داریم. شاید حق ویزیت الان بالا باشد و ۵ دقیقه هم زمان ویزیت طول نکشد، ولی باید در نظر داشت پشت این ویزیت، چقدر فشار به‌پزشک آمده تا تحصیل کند. او به امید خدمت بهتر و زندگی بهتر یا رفاه بهتر برای خود و خانواده‌اش، این کارها را کرده و هر کدام از این امیدواری‌ها که مخدوش شود، انگیزه‌ها کم می‌شود. همه دوست دارند به کشورشان خدمت کنند، منتهی شرایطی ایجاد می‌شود و فرد فکر می‌کند اگر بخواهد بیشتر بماند و کیفیت زندگی‌اش دچار اختلال شود، روی کیفیت خدمتش هم اثر می‌گذارد. این می‌تواند انگیزه مهاجرت باشد، این را هم در نظر بگیرید مهاجرت الزاما چیز بدی نیست. هجر و سختی دارد. اما درهرحال انسان دنبال موقعیت رشد خود است.

– قطعا سختی‌هایی در مهاجرت هست، ولی هجر و سختی در انتظار کسانی که اینجا زندگی می‌کنند هم با توجه به این مهاجرت‌ها، وجود دارد. هشدارها می‌گوید در چند سال آینده مجبور می‌شویم از کشورهای خارجی مانند هندوستان و بنگلادش پزشک و پرستار بیاوریم و کمبود در این بخش‌ها بحران‌زاست. نظر شما چیست؟

– ببیند برای سایر رشته‌ها مانند مهندسی یا معلمی هم اگر بازار کار بود و شرایط کار در داخل سخت می‌شد، آن‌ها هم مهاجرت می‌کردند. این مسئله عام است. باید دید چرا مهاجرت داریم؟ عرض کردم با سختی‌هایی که پزشکان می‌کشند، مابه‌ازایی که دریافت می‌کنند واقعا خیلی پایین است. یک فوق تخصص استاد تمام هیات علمی که تمام زندگی‌اش در دانشگاه بوده ماهانه حقوقی کمتر از ۱۰۰۰ دلار می‌گیرد. هیچ کشوری نمی‌توانید پیدا کنید یک استاد تمام همه زندگی‌اش را بگذارد و کمتر از ۱۰۰۰ دلار دریافت کند، چندین حق وجود دارد، حق فرد و خانواده فرد است. حتی حق خدمت گیرندگان است که خدمت عالی بگیرند. حق دانشجویانی که استاد پزشکی دارد تربیت می‌کند، آن است که بهتر آموزش بگیرد. عایدی این پزشک برای کشور خیلی بالاتر از ۱۰۰۰ دلار است. گاهی می‌شنویم پزشکان و پرستاران برای پول می‌روند. اصلا این‌طور نیست. دوره سخت و طاقت‌فرسایی را این اشخاص طی می‌کنند و مراحل سختی برای حضور در این حرفه وجود دارد. با این حال دریافتی او باعث می‌شود جلوی خانواده شرمنده بماند و حتی خرج زندگی‌اش را نمی‌چرخاند. هروقت این حرف‌ها به میان می‌آید، بلافاصله عده‌ای روی یک درصد پزشکان تمرکز می‌کنند. اصلا این‌طور نیست. میانگین درآمد پزشکان و حتی متخصصان خیلی پایین است، چند راه مقابل پزشک است. یکی آن‌که بگوییم بمان و ایثار کن که ایثار هم حدی دارد. اگر سایر رشته‌ها فرصت رفتن داشتند می‌بینیم که می‌رفتند. ریشه مهاجرت اشکال در نظام ارزش‌گذاری، شایسته‌سالاری و جبران خدمات فرد است.

– شما مسئولیت‌های متعددی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و وزارت بهداشت داشتید. برای این مشکلات هرگز تصمیم اجرایی درستی گرفته نشد، چرا؟

– ما تجربه‌ای به‌نام طرح تحول نظام سلامت را با اهداف مشخصی داشتیم. قرار بود هزینه سلامت از جیب مردم کمتر از ۳۰ درصد شود. هدف دیگر ماندگاری پزشکان در مناطق محروم و بیمارستان‌های دولتی بود. اهداف زیبای دیگری هم داشت. این طرح ادامه پیدا نکرد زیرا منابعی که به‌این طرح تخصیص دادند و قول دادند ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهند پایدار نبود. یعنی پول نبود. در آن طرح خیلی بیمارستان‌ها و تخت‌ها اضافه شدند. کار خوبی بود چون اگر این کار نمی‌شد در کرونا ما با بحران روبه‌رو می‌شدیم.

در آن تاریخ خیلی تجهیزات تخصصی پزشکی خریداری شد. مردم به‌یاد بیاورند چه زمانی خانه یا خودرو خریده‌اند؟ دقیقا در همان تاریخ طرح اجرا شد. ما از تحریم در آن زمان خارج می‌شدیم. برجام به‌صورت وصله پینه، پول را وارد کشور می‌کرد. ما تخت اضافه کردیم، مردم خانه و ماشین خریدند. همه فکر کنیم چه شرایطی داشتیم. منابع وارد کشور می‌شد ولی وقتی منابع قطع شد، مهاجرت‌ها را ببینید. وقتی منابع قطع می‌شود خیلی اتفاقات از جمله مهاجرت می‌افتد. یکی از دستاوردهای استکبار، فشار به‌کشورهای ضعیف است که نتیجه‌اش خروج نخبه‌گان است.

پزشکان ما از خیلی کشورهای پیشرفته جلوترند. این روند در آینده نزدیک دچار اختلال می‌شود چون استادان بزرگ مهاجرت می‌کنند و از دانشگاه خارج می‌شوند. توسعه‌ای خوب است که متوازن و پایدار باشد.

– تناقضی در کلام شماست. از یک سو می‌گویید تحریم و استکبار می‌خواهد کشور را از نخبگان تهی کند. از طرفی اذعان دارید که پزشکان با این مشکلاتی که دارند مجبور به انتخاب مهاجرت می‌شوند، مشکل از ماست یا استکبار؟

– ما با پول بیت‌المال پزشک خوب تربیت می‌کنیم بعد دو دستی تقدیم آن‌ها می‌کنیم. قطعا خودمان مشکل داریم.

– یکی از مشکلات مساله رزیدنت‌هاست. حقوق کم و کار زیاد، برخی می‌گویند رزیدنت‌ها در دوره آموزشی هستند و نباید درآمد و حقوق بالا داشته باشند، برخی هم معتقدند حق آن‌هاست که در آن سن و جایگاه حقوق خوبی بگیرند، شما چه نظری دارید؟

– شان رزیدنت‌ها خیلی بالاتر از این است. رزیدنت آن‌قدر می‌بایست تامین باشد که تمام وقت باید در بیمارستان باشد. رزیدنتی که آموزش می‌بیند، باید استادش تامین باشد و بعد هم خودش تامین باشد. ما سالیان سال است رزیدنت تربیت می‌کنیم. زمانی با پول رزیدنتی افراد زندگی‌شان را راحت می‌گذراندند و خانه به‌آن‌ها می‌دادند. الان هیچ کدام از این‌ها نمی‌شود. بعد هم به‌رزیدنت می‌گوییم حق نداری بیرون کار کنی. منطقه محروم هم باید بروی. باید ازدواج هم کنی. این‌ها با همدیگر نمی‌خواند. اگر فکر کردید افزایش حقوق تنها کار است، اشتباه می‌کنید. باید توسعه متوازن و پایدار باشد و اولویت‌بندی داشته باشیم. اما متاسفانه سلامت در کشور اولویت ندارد./ خبرآنلاین

منصورحاجی‌پور، مدرس گردشگری در بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

معماری بافت تاریخی بوشهر، می‌توانست پایه‌ای برای تکامل معماری ایران مدرن باشد



– به نظر شما ویژگی‌های بافت تاریخی بوشهر چیست؟

– بهروز مرباغی در کتاب «بن مایه‌های نوین در معماری بوشهر» به ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی معماری بوشهر می‌پردازد و از منظری جدا از تاثیر اقلیم بر معماری به موضوع می‌نگرد.

ایشان معتقد است معماری بوشهر، برخلاف معماری کویری، ساختمان هم با بیرون کار می‌کند هم با درون. معمار، کاملا رها و بی‌تکلف، فضاها را خلق می‌کند و اصلا اسیر تقارن و تصلب غیرضرور نیست. معمار ضرورتی نمی‌بیند اثر خود را با رنگ و تزیین ولخرجانه بیاراید. این خود بنا و اثر است که زیباست نه رنگ و لعاب آن. شاید کمی بی‌انصافی باشد که زیبایی معماری بوشهر را در حد شیشه‌های رنگی هلالی‌ها در و پنجره‌ها خلاصه کنیم و ظرافت و زیبایی‌های اصیل حجمی آن را نبینیم. همان گونه که انسان مدرن نیازی به تفاخر بی‌ریشه و ولخرجی‌های نوکیسگان نمی‌بیند. معماری اصیل مدرن هم خود را با رنگ و کاشی و جواهر نمی‌آراید. فضاها و حجم بناست که تزیین آن را می‌سازد. از دوره صفوی به بعد است که نما خود را از سازه جدا می‌کند و به تزیین صرف بدل می‌شود. در معماری مدرن اصولا تزیین بدون شخصیت و بی دلیل وجود ندارد، تمامت معماری هم سازه است هم تزیین و هم زیبایی.

معماری بوشهر، به طور اخص معماری چهار محل، ویژگی‌ها و استعدادهایی دارد که دقیقا با معماری مدرن همخوان است. این همخوانی می‌توانست پایه‌ای برای تکامل معماری ایران به عصر مدرن باشد. از این زاویه است که معماری بوشهر اهمیتی خاص می‌یابد و شایسته تعمق فراوان است. بدین ترتیب، اگر به معماری چهار محل بوشهر، حساسیت نشان می‌دهیم و اصرار داریم آن را حفظ کنیم صرفا به دلیل حسرت خوری گذشته نیست. صرفا به خاطر نگاه موزه‌ای به زندگی نیست. این معماری می‌تواند بخشی از سرفصل‌های دانشگاه‌های ایران باشد و پرتو تازه‌ای به تاریخ معماری ایران بیندازد.

– با این وجود، متاسفانه در دهه‌های گذشته، بافت تاریخی بوشهر، به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است، چگونه می‌توان رونق را به این بافت برگرداند؟

–آن چه امروزه باید مورد توجه قرار گیرد، بازگرداندن سرزندگی به فضاهای این بافت تاریخی است. لازمه سر زندگی، حضور مردم است. امروزه به دلایل گوناگون، بافت تاریخی، فرسوده و تقریبا خالی از حضور و فعالیت مردم شده است. این در حالی است که اگر این بافت دارای فضاهای امن، مطلوب و سرزنده باشد و در آن فعالیت‌های گردشگری، تجاری، فرهنگی، تفریحات سالم و شاداب به گونه‌ای سازمان یافته و مطابق با ارزش‌های جامعه میسر گردد، حضور فعال مردم و به تبع آن سرزندگی و زیست‌پذیری افزایش خواهد یافت و این بافت تاریخی با این ظرفیت بالا، می‌تواند پژوهشگران، دانشجویان معماری، گردشگران علاقمند به معماری و شهرسازی را از سراسر کشور به بوشهر جذب کند .

– در مجموع چه پیشنهاداتی برای رونق گردشگری استان بوشهر دارید؟

۱– اولین موضوعی که می تواند در جهت بهبود و نیز توسعه گردشگری استان موثر باشد، تشکیل کارگروه گردشگری و میراث فرهنگی فعال، که به ریاست یکی از معاونین استاندار می‌باشد. در این کار گروه از مدیران و صاحب نظران بخش خصوصی فعال در زمینه گردشگری استفاده شود. (ظاهرا این کارگروه در استان بوشهر فعال نیست)

۲– تشکیل یک کار گروه جهت شناسایی، دعوت و حمایت از سرمایه‌گذاران بوشهری مقیم خارج از کشور، جهت سرمایه گذاری در استان در زمینه‌های مختلف گردشگری.

۳– اقدام جدی و عملی برای کوتاه نمودن فرایند صدور مجوز جهت متقاضیان سرمایه گذاری.

۴– تهیه بسته‌های سرمایه‌گذاری جهت ارائه به سرمایه‌گذاران به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی.

۵– تشویق، حمایت و مدیریت بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری.

۶–توجه بیش از پیش به زیرساخت‌ها و روساخت‌ها، بهداشت محیط، محیط زیست.



۷– توجه بیش از پیش به معماری خیابان‌ها، حتی کوچه‌های شهرها، مبلمان شهری، المان‌های مورد نیاز جهت نصب در میادین و خیابان‌ها (شهری که می‌خواهد صنعت گردشگری در آن نقش برجسته داشته باشد باید نگرش متفاوتی نیز به معماری خیابان‌ها، مبلمان شهری و اصالت المان‌ها داشته باشد).

۸–جلوگیری از کاربرد معماری‌های غیر اصیل و بی‌ریشه در ساخت هتل‌ها و دیگر تاسیسات گردشگری در استان و همچنین نظارت کیفی بر ایجاد تاسیسات گردشگری و فعالیت آن‌ها، در راستای دقیق اهداف سرمایه گذاری سبز باشد.

۹– هماهنگی لازم جهت پرداخت تسهیلات بانکی تک رقمی به متقاضیان سرمایه گذاری و نیز مالکانی که اقدام به مرمت و استحکام بخشی ملک خود در بافت تاریخی بوشهر و دیگر شهرهای استان می‌نمایند.

۱۰–توجه جدی به مناطق نمونه گردشگری استان، و انتخاب سرمایه گذار مادر برای هر کدام از مناطق.

۱۱–پیگیری لازم جهت ارائه برنامه‌های تشویقی، ترغیبی و حمایتی نظیر مشاوره رایگان، حذف عوارض شهرداری، صدور پروانه رایگان برای مرمت و بازسازی بناهای تاریخی در بافت‌های تاریخی.

۱۲–توجه بیش از پیس به زیرساخت‌ها و روساخت‌های گردشگری استان به ویژه در رابطه با گردشگری دریایی و ساحلی و ایجاد اسکله ویژه گشت‌های دریایی و مسافربری دریایی و سفر به جزیر خارگ.

۱۳– جلوگیری از تغییرکاربری زمین‌های دارای کاربری های گردشگری، تحت هر عنوانی.

۱۴–ایجاد پلاژهای مجهز در تمامی شهرهای ساحلی و روستاهای گردشگری ساحلی.

۱۵–دعوت از سفیران خارجی مقیم تهران به منظور بازدید از جاذبه‌های گردشگری و عقد تفاهم نامه گردشگری.

۱۵– تنظیم برنامه سالانه جهت اجرای جشنواره‌های فرهنگی، هنری، صید میگو، برداشت رطب و خرما، غذای محلی، صنایع دستی و ...

۱۷–برپایی نمایشگاه‌های گردشگری در استان‌های هدف و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس.

۱۸–برگزاری دوره‌های آموزشی جهت تمامی دست اندرکاران صنعت گردشگری و ...

۱۹–برگزاری دوره‌های آموزشی جهت رانندگان تاکسی، اتوبوس، کارکنان ترمینال مسافری (فرودگاه، بنادر و اتوبوسرانی)، فروشگاه‌های صنایع دستی، صرافان و ...

۲۰– برگزاری میزگردهای کارشناسی جهت آشنایی عموم مردم با اهمیت صنعت گردشگری و نحوه تعامل با گردشگران از طریق صدا و سیمای استان.

۲۱–پیگری جدی جهت اصلاح قوانین دست و پاگیر و تصویب قوانین شفاف در راستای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های گردشگری دریایی و ساحلی و ...

۲۲– جلوگیری از ورود فاضل آب شهری به دریا.

۲۳– ترویج حساسیت و آگاهی نسبت به سیستم‌های اکولوژیکی و افزایش آگاهی‌های محیط زیست.

۲۴– آموزش و آگاه‌سازی گردشگران در زمینه آلودگی‌های زیست محیطی.

۲۵– بازاریابی اصولی و ترتیب تورهای دریایی، صنعتی، فرهنگی و... توسط آژانس‌های استان و کشور.

– سخن پایانی؟

– ما باید نگاه‌مان را به گردشگری مثبت کنیم، ترس، نگرانی و دلهره نزدیک شدن به فساد و تباهی که عامل پرهیز ما شده است را از خود دور کنیم. باور داشته باشیم که صنعت گردشگری جایگزین مناسبی برای نفت است. صنعت گردشگری امروزه به قدری در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاددانان آن را صادرات نامرئی نام نهاده اند. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی باید به یک وزارتخانه فراگیر تبدیل شود، باید زمینه مشارکت و فعالیت گسترده بخش خصوصی را فراهم نماییم. باید محاسن گردشگری را تقویت و معایب آن را مدیریت نمود، آن‌چه دیروز گفته‌ایم و انجام داده‌ایم، امروز ما را ساخته است. در صورت عدم رضایت از وضع موجود، باید در آن‌چه می‌گوییم و انجام می‌دهیم تغییر اساسی به وجود آوریم تا فردا از امروز متمایز شود. فرهیختگی بیشتری باید در همه جا مشاهده شود، دست عاملین تغییر باز گذاشته شود و کارآفرینان این صنعت میدان بیشتری پیدا کنند. در سمت‌های دولتی و غیردولتی جوان گرایی شده و توان افزایی و جانشین پروری به شدت مورد حمایت و تشویق قرار گیرد. سرعت تغیرات نه تنها برای جبران مافات کافی نیست که فاصله‌ها با آن‌چه باید باشیم روز به روز بیشتر می‌گردد. توجه داشته باشیم که در عصر پرشتاب زندگی می کنیم. در چنین عصری، دانشمندی، توانمندی و علاقمندی به خدمت، لازمه دست اندر کاران می باشد.

به امید روزی که شاهد شکوفایی و درخشش صنعت انسانی گردشگری کشورمان باشیم.

جلوی پایمال شدن حقتان بایستید و طلبکار باشید

محمود حمزه ئیان



اگر شما از بی‌عدالتی، ناحقی، ظلم و پایمال شدن حق خود و دیگران ناراحت می‌شوید، عصبانی می‌شوید، خودتان را سرزنش نکنید، همه این‌ها نشان از سالم بودن روان شماست.

در بسیاری موارد جامعه ممکن است به شما برچسب‌های گوناگونی بزند؛ انسان پرخاشگر، عصبی، روانی، فریب خورده و... اما اصلا نگران نباشید. این را بدانید که برچسب‌هایی این‌گونه را صرفا آنانی می‌زنند که اصولا فهمی از مفاهیمی مثل عدالت، ظلم و... که در بالا اشاره کردم ندارند، یا در بهترین حالت فهم شان ناقص است. حالا ممکن است برخی بگویند همین مفاهیم خود تفسیرهای گوناگون دارند. بله، اما برخی مسائل بدیهی است. آن‌جا که حقوق انسانی و فردی شما پایمال می‌شود و حریم خصوصی شما و خانواده شما شکسته می‌شود، حق دارید عصبانی شوید. وقتی این راه هم فهمیدید، حتما پایمال شدن حقوق دیگران را هم خواهید فهمید. موضوع چندان پیچیده ای نیست.

اتفاقا اکثر کسانی که قصد پیچیده کردن این مفاهیم را دارند، همان‌هایی هستند که قصد دارند با گل‌آلود کردن فضا، فرصت بیشتری برای برای چپاول و پایمال کردن حق شما و سایرین داشته باشند. به آدم‌های دورو بر خودتان نگاهی بیندازید. سخت نیست پیدا کردنشان.

این کشور قانون دارد. از صدر تا ذیل مردم هم باید مطیع این قانون باشند. چه شهروند عادی، چه ضابط قضایی، چه مامور انتظامی و... پس اگر جایی شما در هر جایگاهی که هستید کاری غیر قانونی را دیدید، جلوی آن بایستید و حق خود یا دیگران را طلب کنید.

اگر حق‌تان پایمال شد، طلبکار باشید. همان‌گونه که برای مال‌تان طلبکار می‌شوید. شما بهای پول را می‌فهمید چون قابل اندازه‌گیری است. بهای حق و حقوق شما هم قابل اندازه گیری است. می‌دانید بهای آن چیست؟ عمر شما. سلامتی جسم و روح شما. اتفاقا همین عمر و سلامتی گرانبهاترین دارایی ماست. آن‌قدر گرانبها که با هیچ ثروتی هم نمی‌توان آن‌ها را خرید.

همان لحظه‌ای که بخاطر پارک دوبل یک نفر در ترافیک معطل شده‌اید، آن ثانیه‌ها دیگر هیچ وقت برنمی‌گردند. آن لحظه هایی که در ادارات منتظر یک کارمند بی‌مبالات نشستید تا صبحانه کاری بخورد یا در جلسات بی سر و ته و بی‌نتیجه وقت بگذارند، ثانیه‌های عمر شماست که می‌گذرد.

پس برای این‌که از عمر و سلامتی خودتان نکاهید، جلوی پایمال شدن حق‌تان بایستید. طلبکار باشید. نگران آن برچسب‌هایی که گفتم هم نباشید. آن‌هایی که این برچسب‌ها را می‌زنند، روزی بهایی گران برای سکوتشان خواهند پرداخت. نگران نباشید.

البته این روزها برخی راه دیگری را هم انتخاب می‌کنند و آن هم‌مهاجرت به جایی است که در آن کمتر درگیر این مسائل باشند و همگان حق و حقوق یکدیگر را به رسمیت بشناسند و به آن احترام بگذارند. اتفاقا این هم راه میانبر خوبی است که می‌توانید در نظر بگیرید و نیاز نباشد به توصیه‌های این نگارنده هم عمل کنید!



نسیم جنوب

nasimjonoub.com

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

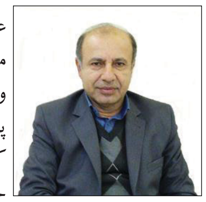
www.nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۰۷۷ - ۳۳۳۲۵۹۰۰
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

نمایندگان استان بوشهر پاسخگو باشند

آلودگی‌های نفت و کمبود بیمارستان برای بوشهر، درآمدها و بیمارستان نفت برای دیگران!

دکتر ابراهیم شفیعی، فوق تخصص جراحی قلب



عقب ماندگی و نواقص موجود در زمینه بهداشت و درمان بر هیچکس پوشیده نیست، هر چند که صحبت کردن و ذکر جزییات در این مقوله نمی‌گنجند اما مردم شریف استان این موضوع را با پوست و گوشت و استخوان خود بخوبی احساس می‌کنند، به نحوی که برای ابتدایی‌ترین خدمات مجبور هستند عازم استانهای همجوار و تهران گردند و حتی برای مواردی هم که امکان خدمت رسانی در استان وجود دارد، به علت بی‌اعتمادی به وضعیت موجود و گاها بخاطر عدم وجود وسایل و تجهیزات و امکانات حد اقلی لازم، ترجیح می‌دهند خدمات درمانی خود را با چندین برابر هزینه اضافی در استانهای دیگر دریافت کنند و این موضوع علاوه بر بوجود آوردن زحمت زیاد ناشی از مشقات و رنج سفر برای بیماران و خانواده‌ها و همراهان، باعث گردیده است مراکز درمانی استان نیز که به صورت خودگردان اداره می‌شوند با کمبود شدید بودجه و اعتبار مالی مواجه گردند که خود باعث می‌شود به علت عدم توانایی لازم مراکز درمانی در خرید تجهیزات و لوازم مصرفی و داروهای ضروری، همان خدمات حداقلی نیز با مشکل مواجه شود. از طرف دیگر با تاخیر در پرداخت پرسنلی و پزشکان و سایر کادر درمان و نارضایتی شدید بوجود آمده حاصل از این موضوع، رابطه کادر درمان و بیماران را با تنش و اختلال و حتی گاها با درگیری مواجه نماید به نحوی که برخی از پزشکان محترم به علت ناچیز بودن پرداخت‌ها که آنهم با تاخیر بسیار زیاد بیش از یکسال صورت می گیرد، مجبور می‌شوند حق‌الزحمه خود را علیرغم میل باطنی از بیماران مطالبه نمایند که از این موضوع هم بیماران و هم خود کادر درمان شدیداً ناراضی می‌باشند.

این مسئله به صورت یک سیکل معیوب درآمده و سالهاست که به صورت مزمن خود را در چهره نابسامان درمان استان نشان می‌دهد و حالت ناخوشایندی برای وضعیت بهداشت و درمان استان ایجاد کرده است. لذا ضرورت دارد با ورود مسئولین مربوطه و اقدامات مناسب و لازم، به وضعیت کنونی به هر طریق ممکن خاتمه داده شود.

از جمله مواردی که نمایندگان استان در مجلس در شرایط خاص ایجاد شده حسب وظایف نمایندگی و تعهدی که در برابر موکلین خود دارند ضرورت دارد اقدام و مداخله کنند همین موارد هست که هر وقت شرایط ایجاب نماید با مداخله به موقع و با آوردن امکانات درمانی لازم، باعث ارتقا کمی و کیفی خدمات بهداشتی و درمانی استان گردند.

هفته گذشته خبری منتشر گردید مبنی براینکه کلنگ زنی بیمارستان نفت در شهرک سلامت شیراز صورت گرفته است.

هر چند که همه مردم کشور شایستگی آن را دارند که از خدمات درمانی مناسب بهره‌مند گردند اما باید توجه داشت که عمده منابع نفت و گاز کشور در مناطق جنوب کشور قرار دارد و همانگونه که آلودگی‌های محیط زیستی گسترده و آسیب‌های اجتماعی گوناگون آن نصیب بوشهر و درآمد این منابع خدادادی استان صرف کل کشور می‌گردد، این حق مردم استان هست که بخشی از درآمد این منابع زیرزمینی نیز صرف پیشرفت و توسعه و از جمله خدمات بهداشتی و درمانی استان که ضرورت آن بر هیچکس پوشیده نیست، گردد.



عملیات اجرایی ساخت بیمارستان صنعت نفت با حضور معاون وزیر نفت و استاندار فارس در شیراز آغاز شد

از طرفی خود شهر شیراز به علت برخورداری از بیمارستانهای متعدد دولتی و خصوصی، نسبت به استان بوشهر در جایگاه به مراتب بالاتر قرار دارد و دچار کمبود بیمارستان و مراکز درمانی به نسبت بوشهر نمی‌باشد.

احداث بیمارستان از زمان پیشنهاد و طرح و برنامه تا تصویب منابع مالی و نهایتا کلنگ‌زنی، مدت زیادی طول می‌کشد و چون مدتها اخبار آن در محافل غیر رسمی پخش شده بود، جا داشت نمایندگان و مسئولین بهداشت و درمان استان با پیگیری‌های لازم و به موقع با ارائه توضیحات کارشناسی و توجیه مقامات مسئول، مردم استان را از این موضوع حیاتی محروم نسازند که متاسفانه به نظر می‌رسد علیرغم وظیفه‌ای که‌حسب مسئولیت خود برعهده داشته‌اند، در این امر حیاتی ترک فعل صورت گرفته باشد و وظیفه خود را انجام نداده باشند حالا اگر پیگیری‌هایی هم انجام شده باشد که مردم از آن بی‌خبر هستند (که البته چنین به نظر نمی رسد) جا دارد تا نمایندگان استان با اطلاع رسانی و توضیحات لازم، موکلان خود را در جریان امر بگذارند و در این زمینه با پاسخگویی و اینکه چرا پیگیری‌های آنها به نتیجه نرسیده، باعث تنویر افکار عمومی جامعه که به شدت از این وضعیت ناراضی و گله‌مند هستند بشوند.

اگر چه به نظر می‌رسد با توجه به آنکه تا زمان پایان دوره نمایندگی این عزیزان، مدت زمان زیادی باقی نمانده است و شاید به نظرشان توضیح به مردم ضرورتی نداشته باشد، اما باید توجه داشت که همه ما به قیامت و پاسخگویی در قبال اعمال انجام شده و نیز کارهایی که انجام نداده ایم اعتقاد داریم و در برابر پروردگار متعال حتما مورد بازخواست و پاسخگویی قرار خواهیم گرفت. باشد که همه بندگان خدا آنگاه که بدون هیچگونه پوشش و پنهان کاری در روز جزا در برابر خالق خود حاضر می‌شویم روسپید و سربلند بیرون آییم.

پاریس در بزم خیام‌خوانی بوشهری‌ها

نمایش فیلم «خیام در بوشهر» در پاریس

فیلم مستند «خیام در بوشهر» در جمع ۹ فیلم انتخاب شده برای اکران در فستیوال «احترام به ایران » در شهر پاریس قرار دارد.

این فیلم در ۱۴ بهمن ماه ۱۴۰۲ به نمایش در خواهد آمد.

یاسین محمدی کارگردان فیلم مستند «خیام در بوشهر» اعلام کرد که این فیلم در روز سوم فوریه (۱۴ بهمن) در ساعت ۱۶ در سینما L'Entrepôt پاریس نمایش داده شد.

بولتن فستیوال، فیلم «خیام در بوشهر» را چنین معرفی کرده است:

«در فیلم خیام در بوشهر راوی مانند یک قصه‌گو با صدایش ما را در فضایی جادویی قرار داده تا هر کسی را به رویا ببرد. سخنوری گرم او همراه با مراسم گرم و شادی که زندگی را نشانه‌گذاری می‌کند.

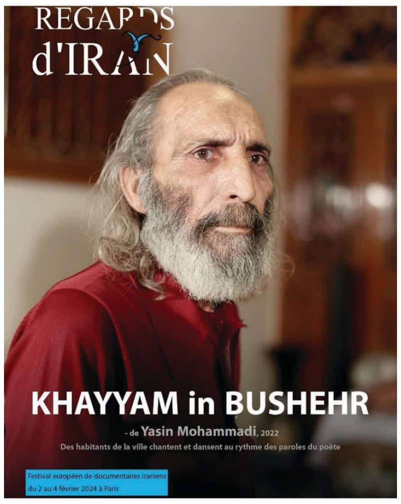
در این فضا- زمان، ما با ساکنان محلی با کلمات اجدادی، زندگی معمایی و جذابی را می‌خوانیم و



می‌رقصیم.

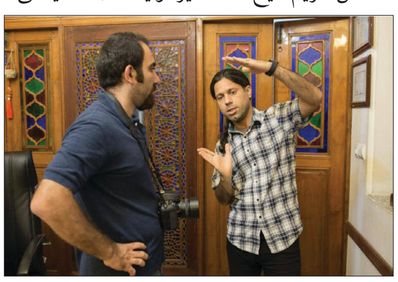
محیط این فیلم که از نزدیک، مجالس فرهنگی و موسیقایی بوشهر را به نمایش می‌گذارد، پنجره‌ای است در روح جشن و انرژی پایان‌ناپذیری که شهر در خود دارد، گویی دائماً توسط امواج خلیج‌فارس تغذیه می‌شود و این چهره «کم تصویر شده» مردم ایران است.»

این مستند به تهیه‌کنندگی و کارگردانی یاسین محمدی در طی ۸ سال فیلمبرداری و ساخته شده است.



عوامل فیلم:

تهیه کننده و کارگردان: یاسین محمدی. تدوین: مصطفی غضنفری، کسری کمایی. فیلمبرداران: امین محمدی، حسین حیدر پور، مهدی جهان‌افروزیان. صدابردار: میثم قیصی‌زاده. متن گفتار فیلم: احسان عبدی‌پور. صدای گفتار: علیرضا غفاری. اصلاح رنگ: فربد جلالی. صداگذاری: آرش قاسمی. تصاویر هوایی: حامد محمدی، امین گل افشان. عکاس: مریم شیخ سقا. مدیر تولید: سجاد سلیمانی.



تدارکات: کمال حسین پور، محسن خرمایی پور. هماهنگی: سید احمدرضا هاشمی. گرافیک: محمد رحیمی زاده. روابط عمومی: حسین مظفری.

کوهنورد جزیره خارگ بوشهر به قله دماوند صعود کرد



رئیس هیات کوهنوردی خارگ گفت: قله دماوند با ارتفاع ۵۶۷۱ متر توسط کوهنورد خارگی صعود شد. به گزارش خارگ آنلاین، محمدرضا دشتی زاده اظهار داشت: علی پولادی کوهنورد خارگی توانست قله دماوند بام ایران را با موفقیت صعود کند. با توجه به این‌که جزیره خارگ در ارتفاع منفی ۹ متر از آب-های آزاد قرار دارد صعود به قله دماوند به ارتفاع ۵۶۷۱ متر برای کوهنوردان خارگی به مراتب سخت تر و سنگین تر از کوهنوردان دیگر نقاط کشور است که بر ارزش کار می افزاید.